

پایان مرگبار رابطه پنهانی

قتل مردی که قربانی خیانت همسرش شده بود، خاطره یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی است. او این هفته این پرونده را برای تپش روایت کرده است.

هشدار

تپش

۳ | ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم
چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۲۰

هشدار درباره کلاهبرداری

پیامکی

سرهنک علی محمد رجبی / رئیس مرکز تشخیص و پیشگیری از جرایم سایبری پلیس فتا

حدود ۷۰ درصد جرایم سایبری با انگیزه مالی صورت می گیرد. یکی از جرایم شایع در این حوزه، کلاهبرداری از طریق پیامک است. عموماً این پیامک ها دارای لینک هایی است که به سایت های جعلی ارجاع داده شده و وقتی شخص وارد این نوع لینک ها می شود، بدافزاری روی سیستم نصب شده و مجرم از این طریق می تواند به روش های مختلف شخص را مورد سوء استفاده قرار دهد؛ به عنوان مثال این امکان برای مجرم وجود دارد تا با دسترسی به فهرست مخاطبان شخص، پیام های متعددی را به دیگران ارسال کند.

در رابطه با دریافت پیامک باید چند موضوع را در نظر داشته باشید؛ اول این که شماره شخصی به معنای جعلی بودن پیامک است؛ لذا اگر با شماره شخصی پیامک ارسال شد، در جعلی بودن پیامک شک نکنید. همچنین متن پیامک از اهمیت بالایی برخوردار است و عموماً می توان با مقایسه ساده آنها با پیامک هایی که توسط سازمان های رسمی فرستاده می شوند، متوجه جعلی بودن شان شد. در قدم بعدی باید در نظر داشت نشانی ها و لینک هایی که در این گونه پیامک ها ارسال می شود، معمولاً حتی اگر شامل اسم یک سازمان رسمی مانند ثنا هم باشند، ممکن است با com. به پایان برسند در صورتی که در همه سازمان های رسمی کشور این آدرس با ir. است. نکته مهم این است که پیامک های سامانه های قوه قضاییه مانند ابلاغ، نظرسنجی و اطلاع رسانی بدون شماره و با عبارت ADLIRAN ارسال می شود لذا شماره های شخصی که پیامکی مبنی بر رسیدگی به پرونده های دادگاهی برای شما ارسال می کنند، قطع به یقین جعلی هستند.

اگر در دام چنین کلاهبرداری افتادید قبل از هر اقدامی، اینترنت تلفن همراه خود را خاموش کرده و حساب بانکی مرتبط را تخلیه یا مسدود کنید؛ همچنین به دوستان و مخاطبان خود اطلاع رسانی کنید هر نوع پیامکی که از سمت شما دریافت می کنند، جعلی است. در ضمن لازم است در اسرع وقت به پلیس فتا مراجعه کرده و پیگیری قضایی را انجام دهید.

یکبار کاوه را می دیدم و این هفته ای یکبار به روزی یکبار تبدیل شد. به خودم که آمدم، متوجه شدم که به کاوه علاقه مند شده ام. اما این تنها من نبودم که دلبسته شده بودم، کاوه هم عاشق من شده بود و از من خواست از مجید جدا شوم. او ادامه داد: من یکبار جدا شده بودم و دیگر نمی توانستم این کار را انجام دهم. نه مجید طلاق می داد و نه تحمل طعنه ها و حرف های مردم را داشتم. وقتی از این راه به نتیجه نرسیدیم، کاوه پیشنهاد دیگری مطرح کرد. او گفت مردی را می شناسد که حدود ۳۰ میلیون تومان می گیرد و مجید را به قتل می رساند. با شنیدن این حرف یکه خوردم و تردید داشتم، می ترسیدم اما آنقدر کاوه گفت تا بالاخره موافقت کردم. بامرگ مجید من از شر اخلاق های بد او راحت می شدم و از طرفی هم می توانستم با کسی که دوستش دارم ازدواج کنم.

نقشه جنایت

مه لقا ادامه داد: شب حادثه، قاتل اجیر شده به مقابل خانه مان آمد و به بهانه دیدن کار، همسر را سوار خودرواش کرد. من دیگر خبری از آنها نداشتم تا اینکه ساعتی بعد کاوه خبر داد که کار را تمام کرده است. تمامی تماس ها و پیام ها با سیم کاری بود که هویت نداشت و بعد از جنایت سیم کارت را سوزاندم. فردای آن روز طبق نقشه به کلانتری رفتم و ناپدید شدن همسر را گزارش کردم. با اعتراف مه لقا، کاوه و بدنبال آن مرد اجیر شده برای این جنایت بازداشت شدند. هر دو به قتل اعتراف کرده و قاتل اجیر شده در رابطه با نحوه جنایت گفت: مجید را از قبل می شناختم، کاوه هم یکی از دوستان ما بود. اما مجید نمی دانست که من با کاوه دوستم و آشنایی قبلی دارم. وقتی کاوه پیشنهاد قتل با پرداخت ۳۰ میلیون را داد، وسوسه شدم که این جنایت را مرتکب شوم. شب حادثه سراغ مجید رفتم و به بهانه ای او را سوار خودروام کردم. به خارج از شهر رفتیم در استراحتگاهی توقف کردم تا چیزی از داخل ماشین بردارم. مجید غافل از نقشه ای که در سر داشتم از ماشین پیاده شد و من هم اسلحه را از صندوق عقب بیرون آوردم و به طرف او دو تیر شلیک کردم. با اعتراف مرد اجیر شده، اسلحه ای که با آن جنایت صورت گرفته بود کشف شد و آزمایشگاه تشخیص هویت نیز تایید کرد. متهمان با اعتراف به قتل به بازسازی صحنه قتل پرداختند و در انتظار اجرای حکم در زندان به سر بردند.

دادم. جسد را همسر مجید شناسایی کرد و بدین ترتیب معمای هویت جسد مجهول الهویه بر ملا شد، اما هویت عامل یا عاملان جنایت همچنان برای ما نامشخص بود. در تحقیقاتی که انجام دادیم، نخستین مظنون مان همسر مجید بود. تفاوت سنی مه لقا با همسرش یکی از دلایلی بود که به او مشکوک شدیم. از طرفی مه لقا چهار سال قبل به خاطر اختلافات از همسرش جدا شده و بعد از مدتی مجدد با او ازدواج کرده بود.

رابطه پنهانی

گرچه مه لقا چنین اظهاراتی داشت، اما در ادامه بررسی ها دریافتیم او با مردی به نام خشایار رابطه پنهانی دارد. زمانی که مدارکی که در تحقیقات بدست آوردیم را کنار هم قرار دادیم، فرضیه قتل توسط همسر مقتول قوت گرفت. ممکن بود مه لقا عامل قتل نباشد، اما بی شک در این جنایت دست داشت و از ماجرا با خبر بود.

مه لقا زمانی که در مقابل مدارک پلیسی قرار گرفت، گریه کرد. لحظاتی به او اجازه دادم تا آرام شود و در نهایت راز جنایت را برملا کرد و گفت: با مجید اختلاف داشتم و این اختلاف هر روز بیشتر می شد تا جایی که مهریه ام را بخشیدم و از مجید جدا شدم. اما بعد از مدتی اصرارهای پسرم باعث شد دوباره با او ازدواج کنم. مجید قول داده بود دست از کارهای خلافش بردارد اما بعد از ازدواج مجدد بهتر که نشد، بدتر هم شد. برای فرار از دست اذیت های مجید، در آرایشگاهی مشغول به کار شدم. حدود یک سال قبل بود که پسر یکی از اقوام را مقابل آرایشگاه دیدم. کاوه، مرا به خانه رساند و در مسیر سفره دلم را برایش باز کردم و از بدبختی هایم گفتم. بعد از آن هفته ای

جسد را سگ گله ای پیدا کرده بود و به دنبال سر و صدای سگ، چوپان از ماجرا با خبر شده و به پلیس گزارش کرده بود. راهی محل کشف جنازه شدیم، کنار پلی قدیمی در چند کیلومتری شهر، جسد مردی حدوداً ۵۰ ساله افتاده بود. لکه های خون در کنار جسد به چشم می خورد و پزشکی قانونی در بازرسی بدنی از جسد، رد گلوله هایی را کشف کرد که به قفسه سینه اش اصابت کرده بود. گلوله ها برای شناسایی نوع و کالیبر اسلحه به آزمایشگاه ارسال شد. آثار خون روی زمین و وضعیت قرار گرفتن جسد، نشان می داد جنایت در همان محل رخ داده است. عکس برداری از جسد و حوالی آن انجام شد و پس از ترسیم کروکی و تکمیل تحقیقات میدانی، جنازه به پزشکی قانونی منتقل شد. مدرکی همراه مقتول نبود که هویت او را مشخص کند، اما زمانی که مشخصات او را به مرکز اعلام کردیم، مشخص شد ساعتی قبل، زن جوانی به پلیس یکی از استان ها مراجعه کرده و خبر ناپدید شدن همسرش را اعلام کرده است.

هویت مقتول

از آنجا که شهرستان محل زندگی مرد ناپدید شده با کشف جسد فاصله زیادی نداشت و مشخصات مجید، مرد ناپدید شده با مقتول شباهت زیادی داشت، با این احتمال که جسد متعلق به مرد ناپدید شده باشد سراغ همسرش رفتیم. زن جوان در تحقیقات گفت: ساعت حدود ۱۰ شب بود که همسرم برای انجام کاری از خانه خارج شد، قرار شد یک ساعته برگردد، اما خبری از او نشد، هر چه با تلفن همراهش تماس گرفتم خاموش بود. تا صبح صبر کردم و از آنجا که هیچ خبری از مجید نشد، با پلیس تماس گرفتم و گزارش ناپدید شدنش را

